# پیوند راهبردی استقلال و ولایت‌فقیه در نگاه رهبری

## ۱۴ خرداد و عقلانیت معنوی انقلاب

محسن جوهری

در سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر دو اصل بنیادین «استقلال ملی» و «ولایت فقیه»، این اصول را در چارچوب عقلانیتی معنوی و تمدن‌ساز بازخوانی کردند. یادداشت پیش‌رو می‌کوشد با نگاهی به این بیانات، نسبت درونی این دو اصل، خاستگاه عقلانی آن‌ها، و پیوندشان با مسئله مذاکرات هسته‌ای را مورد تأمل قرار دهد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات اخیر خود در سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، به تشریح موضوعات مهمی در حوزه‌هایی همچون معارف انقلاب اسلامی، نقش امام خمینی(ره) در تکوین و امتداد مسیر انقلاب، برخی ارزش‌های کلیدی حاکم بر انقلاب، مسئله انرژی هسته‌ای و مسئله فلسطین پرداختند. در این نوشتار، تلاش می‌شود برخی از محورهایی که در این دیدار مورد تأکید قرار گرفت، بررسی و تحلیل شود. با این حال، پیش از ورود به ساحت‌های مختلف موضوعی این بیانات، شایسته است اندکی در اهمیت مجموعه بیانات رهبر انقلاب در ایام سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) تأمل شود.

**۱. چرا بیانات رهبر انقلاب در سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) اهمیت ویژه‌ای دارد؟**

در مواجهه با سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) - همانند هر مناسبت مهم دیگر- می‌توان دو نوع رویکرد را از هم متمایز کرد. نخست، مواجهه‌ای تشریفاتی که در آن تلاش می‌شود صرفاً با برگزاری جلسات یا انجام برخی برنامه‌ها، به بزرگداشت ظاهری مناسبت بسنده شود؛ بی‌آنکه معنا و محتوای این اقدامات موردتوجه جدی قرار گیرد. در برابرِ این رویکرد، مواجهه‌ای تأمل‌ورزانه قرار دارد که در پی درک معنا و دلالت‌های آن مناسبت در بستر امروز است و می‌کوشد جایگاه تاریخی و روزآمد آن را واکاوی کند. به نظر می‌رسد بسیاری از برنامه‌هایی که از سوی نهادهای رسمی در ایام ۱۴ خرداد برگزار می‌شود، کم‌وبیش در زمره همین مواجهه‌های تشریفاتی کم‌ثمر قرار می‌گیرند؛ اما در میان این مجموعه، سخنرانی سالانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استثنایی برجسته است؛ سخنرانی که هرگز تهی از روح و مضمون نبوده و همواره با هدف بازخوانی، تبیین و تطبیق معارف امام خمینی(ره) با شرایط و نیازهای روز ایراد شده است.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، به عنوان بزرگ‌ترین شارح اندیشه و سیره امام خمینی(ره)، در بیانات خود به مناسبت سالگرد ارتحال ملکوتی امام(ره)، تنها به ابعاد سیاسی اندیشه ایشان نمی‌پردازند، بلکه در طی سالیان متمادی کوشیده‌اند مکتب امام(ره) را به مثابه یک دستگاه منسجم فکری، از دل بیانات و سیره عملی ایشان استخراج و بازخوانی کنند. از این‌رو در سال‌های مختلف به مرور و تبیین مبانی و اصول مکتب امام خمینی(ره) پرداخته‌اند. بر این اساس بیانات رهبر معظم انقلاب در ایام ۱۴ خرداد هر سال، گنجینه‌ای ارزشمند از معارف انقلاب است که اگر قدر آن دانسته شود، برکات بسیاری را برای جامعه اسلامی به همراه خواهد داشت.

**۲. امسال کدام وجوه از مکتب فکری امام(ره) بیشتر مورد توجه قرار گرفت؟**

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات امسال خود، بر دو اصل کلیدی از مکتب امام خمینی(ره) - یعنی استقلال ملی و ولایت فقیه- تأکید کردند و بخش عمده‌ای از سخنان خود را به تبیین اهمیت، جایگاه و لوازم تحقق اصل نخست اختصاص دادند. نکته‌ای که در این‌جا باید مورد توجه قرار گیرد، نقش بنیادین این دو اصل در الگوی کلان حرکت و رشد اجتماعی جامعه اسلامی است. به عبارت دیگر، این دو اصل صرفاً گزینش‌هایی از میان مجموعه‌ای از اصول انقلاب اسلامی نیستند، بلکه نسبت منطقی و ساختاری با کلیت حرکت جامعه دینی به‌سوی اهداف خود دارند. برای روشن‌شدن جایگاه این دو اصل، باید جامعه را به منزله موجودی زنده در نظر گرفت که برای رشد و حرکت به سوی اهداف خود، از یک‌سو به وجود مقتضی نیاز دارد و از سوی دیگر، باید از موانع بیرونی رها باشد.

به تعبیر دیگر، جامعه زمانی می‌تواند در مسیر کمال حرکت کند که نیروی محرکه‌ای درونی آن را به پیش براند و همزمان مانعی نیز سد راه آن نباشد. در این چارچوب، نظام «ولایت‌فقیه» که از سویی به‌معنای برقراری روابط عرضی میان مؤمنان بر مدار ایمان الهی است، و از سوی دیگر، ناظر به پیوند طولی آنان با ولیّ الهی، نقش نیروی محرکه و تأمین‌کننده انرژی معنوی و فکری جامعه را ایفا می‌کند. در مقابل، استقلال ملی به‌معنای آزادی از سلطه بیگانگان، شرط لازم برای رفع موانع بیرونی و امکان‌پذیری حرکت جامعه در مسیر آرمان‌هایش است.

نکته مهمی که در نسبت میان این دو اصل- و به طورکلی میان اصول حاکم بر جامعه اسلامی- باید مورد توجه قرار گیرد، خاستگاه آن‌هاست. این اصول برخاسته از «عقلانیت دینی»اند؛ عقلانیتی که در ذات خود، معنوی است و هم از قوّه تعقّل انسانی بهره می‌برد و هم این قوه را در پرتو هدایت وحیانی، به اوج بلوغ و شکوفایی می‌رساند. این عقلانیتِ پشتیبان انقلاب اسلامی، به برکت الگوی راهبریِ امام خمینی(ره) در پس هیجانات مغفول نماند و بدین‌ترتیب، زمینه استقرار اصول پایه‌ای انقلاب اسلامی را فراهم نمود.

توجه به این نکته نیز ضروری است که از منظر رهبر انقلاب، استمرار اصول و مبانی انقلاب اسلامی در جامعه، در گروِ تبیین مداوم آن‌ها برای نسل‌های گوناگون است. تبیین، حلقه واسط میان اصول مکتب انقلاب و زیست اجتماعی مردم است؛ تبیینی که وظیفه آن نه فقط روشنگری بلکه ایجاد بصیرت کنش‌گرانه در مواجهه با بحران‌ها و منازعات است و در این مسیر هم به رشد قوای عقلی مردم اتکا دارد و هم به برانگیختگی عواطف و گرایش‌های ایشان.

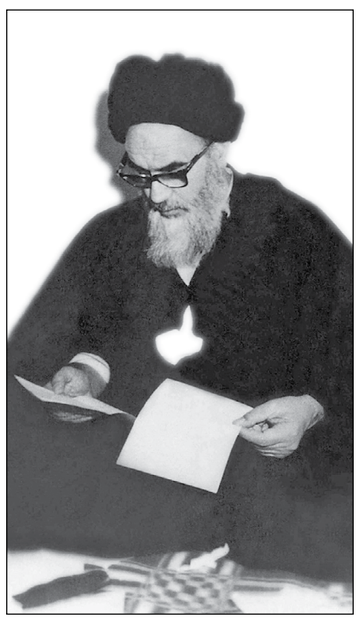

> **رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات امسال خود، بر دو اصل کلیدی از مکتب امام خمینی(ره) -یعنی استقلال ملی و ولایت‌فقیه- تأکید کردند و بخش عمده‌ای از سخنان خود را به تبیین اهمیت، جایگاه و لوازم تحقق اصل نخست اختصاص دادند. نکته‌ای که در این‌جا باید مورد توجه قرار گیرد نقش بنیادین این دو اصل در الگوی کلان حرکت و رشد اجتماعی جامعه اسلامی است. به عبارت دیگر، این دو اصل صرفاً گزینش‌هایی از میان مجموعه‌ای از اصول انقلاب اسلامی نیستند، بلکه نسبت منطقی و ساختاری با کلیت حرکت جامعه دینی به سوی اهداف خود دارند.**

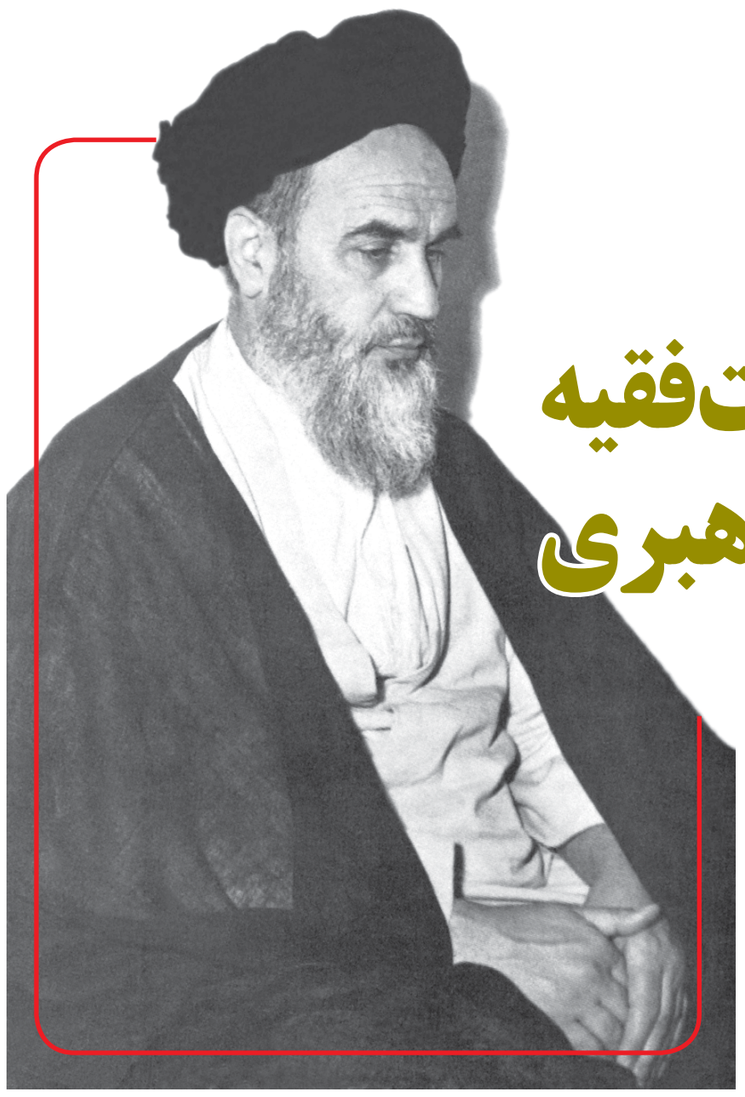

**۳. امسال از مبانی مکتب امام (ره)، برای تبیین کدام مسئله روز اجتماعی بهره گرفته شد؟**

نقطه تمرکز اصلی سخنرانی امسال رهبر معظم انقلاب، بهره‌گیری از اصل مهم «استقلال» برای تحلیل مذاکرات هسته‌ای جاری میان ایران و آمریکا بود. به‌عبارت‌دیگر، به‌نظر می‌رسد تأکید رهبر معظم انقلاب در این سخنرانی، بر ارائه راهبردی برای پیشبرد مذاکرات در پرتو صیانت از اصل استقلال ملی قرار داشت. تحقق این هدف، از منظر ایشان، مستلزم ارائه تبیینی روشن و دقیق از اهمیت، ضرورت و جایگاه غنی‌سازی هسته‌ای برای مردم است. این تبیین شفاف، زمینه مساعدی را برای کنشگری عمومی، مطالبه‌گری اجتماعی و صیانت مردمی از دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور فراهم می‌کند.

نکته بسیار مهم در بیانات اخیر رهبر انقلاب آن بود که اهمیت صنعت هسته‌ای را باید در نسبت و پیوند آن با دو مقوله اساسی درک کرد: نخست، ارتباط این صنعت با اصل و ارزش اجتماعی «ما می‌توانیم» به‌عنوان بنیانی برای خودباوری ملی؛ و دوم، پیوند آن با زنجیره‌ای درهم‌تنیده از علوم و حوزه‌های فناورانه. بر این اساس، مسیر ادامه مذاکرات هسته‌ای باید به‌گونه‌ای باشد که، از یک‌سو، در ساحت اجتماعی و فرهنگی، به تضعیف روحیه «ما می‌توانیم» نینجامد و، از سوی دیگر، جایگاه صنعت هسته‌ای را نه به مثابه جزیره‌ای منفک، بلکه به عنوان بخشی از یک فرآیند منسجم علمی و فناورانه حفظ کند. بر این اساس، حفظ ظاهری از غنی‌سازی هسته‌ای، بدون اینکه به صیانت از کل فرآیندهای مرتبط با صنعت هسته‌ای، از علوم پایه‌ای و تربیت دانشمندان هسته‌ای تا کاربردی‌ترین لایه‌های این صنعت در عرصه‌هایی همچون پزشکی و الکترونیک و غیره، چیزی جز تضییع این بیانات رهبر انقلاب و تبعاً ضربه‌زدن به منافع ملی نیست!

در مجموع آنچه از تأمل در بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب به روشنی به دست می‌آید، آن است که بزرگداشت امام خمینی(ره) بستری برای بازخوانی مستمر اصول مکتب او به شمار می‌رود؛ مکتبی که بر پایه «عقلانیت معنوی»، «استقلال سیاسی» و «ولایت فقیه» را به مثابه دو رکن بنیادین حرکت تمدنی جامعه اسلامی مطرح می‌سازد. تأکید بر اصل «تبیین»، نه صرفاً یک توصیه رسانه‌ای، بلکه راهبردی مؤثر برای حفظ و تقویت این اصول در متن حیات اجتماعی و در مواجهه با چالش‌هایی چون مسئله‌ی هسته‌ای است.

# مروری بر بیانات رهبر انقلاب درباره اهمیت و ضرورت پیگیری کردن کارها از سوی مسئولان

**پیگیری مستمر؛ کلید تحقق اهداف**

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از مسئولان ارشد سه قوه ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ با تأکید بر اهمیت «پیگیری» در روند اجرای قوانین و طرح‌های کشور، فرمودند: «ما کمبود قانون نداریم، کمبود مقرّرات نداریم، کمبود طرح‌های خوب نداریم- بسیار طرح‌های خوب آمده، رفته، گفته شده، تصویب شده- آنچه کمبود داریم «پیگیری» است.» به همین مناسبت رسانه KHAMENEI.IR گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره اهمیت «پیگیری» و نقش آن در پیشرفت امور کشور را مرور کرده است.

**پیگیری را اصل بدانید**

تأکید من، توصیه من این است که «پیگیری» را اصل بدانید؛ من همیشه به مدیران و مسئولین کشور این توصیه را دارم. خیلی از مسئولین می‌آیند اینجا، حرف‌های خوبی می‌زنند، صحبت‌های خوبی می‌کنند لکن خروجی آن حرف‌ها دیده نمی‌شود. پیگیری کنید که این فکرهای خوب، این نظرات درست و دقیق نسبت به آموزش‌وپرورش یکایک پیگیری بشود و تحقّق پیدا کند. البتّه ما در مورد آموزش‌وپرورش دنبال نتایج کوتاه‌مدّت نیستیم؛ طبیعت آموزش و پرورش این نیست، امّا حرکت و روال باید نشان بدهد که ما چه کار داریم می‌کنیم، به کجا داریم می‌رویم.

بیانات در دیدار معلمان (۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳)

**تصمیم‌گیری خوب، کافی نیست**

ما کمبود قانون نداریم، کمبود مقرّرات نداریم، کمبود طرح‌های خوب نداریم- بسیار طرح‌های خوب آمده، رفته، گفته شده، تصویب شده- آنچه کمبود داریم «پیگیری» است؛ پیگیری. پیگیری کنید... جلسه خوب است، تصمیم‌گیری خوب است، شوق و ذوق و انگیزه سران و مدیران بسیار خوب و چیز لازم و مبارکی است امّا کافی نیست. شما که مدیرید، شوق دارید، علاقه دارید، دستور هم می‌دهید به آن نفر دوّمتان، او هم احیاناً به نفر بعدی دستور می‌دهد، امّا همین‌طور در طول این فرآیند، این دستور تدریجاً ضعیف می‌شود، ضعیف می‌شود، و گاهی به جایی می‌رسد که هیچ اتّفاقی نمی‌افتد.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان ارشد سه قوه (۲۶ فروردین ۱۴۰۳)

آنچه کم داریم، «پیگیری» است؛ آنچه کم داریم، دنبال کردن است. رئیس تصمیم می‌گیرد، به معاون دستور می‌دهد، او هم می‌گوید، چَشم؛ معاون به مدیرکل دستور می‌دهد، او هم می‌گوید، چَشم؛ بعد از یک سال، نه رئیس از معاون می‌پرسد چه شد، نه معاون از مدیر می‌پرسد چه شد؛ لذا کار زمین می‌ماند.

بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی (۱۱ مهر ۱۴۰۲)

**هرجا خوب پیگیری کردیم به نتایج خیلی خوب رسیدیم**

یکی از مشکلات عمده ما در کشور پیگیری نکردن است؛ کار را خوب شروع می‌کنیم [امّا] پیگیری لازم همیشه وجود ندارد؛ در بعضی از موارد چرا؛ هرجا خوب پیگیری کردیم، به نتایج خیلی خوب رسیدیم، در بسیاری از جاها هم کار، وسط کار متوقّف می‌شود، پیگیری نمی‌شود؛ این یکی از مشکلات اساسی است. هرکدام از شماها در بخش‌های مختلف، مدیریّتی دارید؛ مدیران کشور باید به این مسئله توجّه کنند که پیگیری بسیار مهم است.

ما است عبارت است از همین که یک پیگیری جدّی‌ای انجام بگیرد.

بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم (۶ شهریور ۱۴۰۰)

**استمرار و پیگیری از عوامل کیفیت کار است**

کار مضاعف فقط به معنای حجم کار نیست؛ بلکه به معنای کیفیت کار است، بیشتر از آنچه که مربوط به کمیت و حجم باشد؛ یعنی کار دقیق، کار کارشناسی‌شده، کار همراه با مشورت، کار مستمر و پیگیر، کار تدوین‌شده و برنامه‌ریزی‌شده؛ که اگر مسئولین جابه‌جا هم شدند، کار متوقف نشود.

بیانات در دیدار نخبگان و مسئولان استان خراسان‌شمالی (۲۵ مهر ۱۳۹۱)

**کار وقتی تمام است که به نتیجه برسد**

ما یک تصمیمی می‌گیریم، ابلاغ هم می‌کنیم، اصرار هم می‌کنیم، امّا اگر تا آخر خط سنجیده انجام بدهید، وقتی که تصمیم گرفتید، فَاِذا عَزَمتَ فَتَوَکَّل عَلَی الله؛ به خدا توکّل کنید، گام‌هایتان را محکم بردارید. پیگیری را- که تأکید بنده همیشه بر پیگیری است- مجدّداً عرض می‌کنم؛ کارها را نیمه‌کاره رها نکنید. گاهی انسان یک کاری را با انگیزه فراوان شروع می‌کند، منتها یک چند قدمی که جلو رفت، انگیزه‌اش کم می‌شود؛ این درست نیست. انگیزه را حفظ کنید تا کار به آن نهایت برسد و ان‌شاءالله تمام بشود.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۸ شهریور ۱۴۰۲)

تجربه ما در این سال‌ها نشان می‌دهد که گاهی یک کاری را با شوق و همّت و انگیزه شروع می‌کنیم، منتها در قدم دوّم، آن انگیزه قدم اوّل باقی نیست؛ این فایده‌ای ندارد. بایستی بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران (۱۳ بهمن ۱۳۸۸)

**پیگیری متوازن همه وظایف از مسائل مهم است**

پیگیری متوازن همه وظایف، یکی از مسائلی است که باید مورد توجّه باشد؛ یعنی ما وقتی که به یکی از این وظایف سرگرم شدیم، مشغول شدیم، از بقیّه وظایف غافل نمانیم و آنها روی زمین نماند. حالا مثلاً فرض کنید که احیای حقوق عامّه از جمله این وظایف است که خیلی هم مهم است. احیای حقوق عامّه بسیار چیز مهمّی است؛ یا نظارت بر حُسن اجرای قوانین که این در قانون اساسی، جزو وظایف قوّه قضائیّه است؛ یا پیشگیری از وقوع جرم یا اصلاح مجرمین؛ اینها همه جزو وظایفی است که در قانون اساسی ذکر شده و هر کدام یک فصل مُشبع و مهمّی دارد.

بیانات در دیدار کارگران (۹ اردیبهشت ۱۴۰۲)

با این فاسدها باید مبارزه جدّی کرد، باید مبارزه پیگیر کرد؛ اینکه ما بگوییم، یک سروصدایی راه بیفتد و بعد از چند وقتی هم خاموش بشود، این آن کاری نیست که برای کشور، در نهایت مفید باشد.

بیانات در دیدار مسئولان و فعالان محیط‌زیست، منابع طبیعی و فضای سبز (۱۷ اسفند ۱۳۹۳)

**پیگیری بخشی از نظارت بر کارها است**

اگر یک مدیر عالی وقتش را تقسیم بکند، شاید بشود گفت که باید نیمی از وقتش را صرف نظارت بر دستگاه خودش، و نیمی را صرف کارهای دیگر بکند؛ فکر کردن، سیاستگذاری کردن، دستور دادن، جلسه گذاشتن، و از این قبیل. نظارت بر این دستگاه، یعنی دایماً حضور داشته باشید؛ آقا شما دارید چه کار می‌کنید؟ این کار چه شد؟ مسئله‌ی پیگیری هم بخشی از همان نظارت است... خواهش می‌کنم آقایان این قضیه را جدی بگیرند.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۳ شهریور ۱۳۷۰)

**برای وعده‌ها روزشمار تعیین کنید**

برای وعده روزشمار معیّن کنید؛ تخمین بزنید یک کاری که می‌گویید این کار را خواهم کرد چه مدّتی طول خواهد کشید و روزشمار معیّن کنید و دانه‌دانه تعقیب کنید. بنده بارها در مجموعه‌های دولتی این را گفته‌ام که ما قاعده و قانون و مانند این چیزها کم نداریم؛ ما قانون و بنا و قاعده و هرچه طرح و برنامه‌ها و این حرف‌ها بخواهید زیاد [داریم]؛ آنچه کمبود نرویم و این آبی را که از چشمه جاری‌شده به مزرعه نرسانیم، کار تمام نیست؛ کارِ تمام آن وقتی است که... یک‌یکِ این طرح‌ها به نتیجه برسد؛ یعنی تعقیب کنند و قدم‌به‌قدم دنبال کنند این کارها را.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۳ شهریور ۱۳۹۵)

بنده غالباً در جلسات خصوصی با مسئولین محترم که می‌نشینیم صحبت می‌کنیم، روی این مسئله پیگیری تأکید می‌کنم؛ پیگیری خیلی مهم است. گاهی تصمیم‌های خیلی خوبی گرفته می‌شود امّا چون درست پیگیری نمی‌شود، تصمیم زمین می‌ماند. همین طرح‌های نیمه‌تمام... ناشی از عدم پیگیری است. خب مثلاً فرض بفرمایید که یک طرح خیلی خوبی در مجلس یا در دولت تصمیم‌گیری شده، دولت شروع به اقدام کرده، باید در ظرف سه سال، چهار سال تمام بشود، [امّا] سیزده سال گذشته، تمام نشده! چرا؟ این نشان‌دهنده این است که پیگیری نشده و رها شده؛ پیگیری خیلی مهم است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام (۱۵ فروردین ۱۴۰۲)

**انگیزه کارها باید تا به نهایت رساندن آنها حفظ شود**

کار را با فکر انجام بدهید، اندیشیده و انگیزه و همّتی که انسان برای یک کار خرج می‌کند و به کار می‌برد، ادامه پیدا کند تا وقتی به نتیجه برسد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری اسلامی ایران (۱۲ مرداد ۱۴۰۰)

**ما امروز به جوانی احتیاج داریم که اهل پیگیری باشد**

ما امروز به جوانی احتیاج داریم که بداند سرنوشت خود او و سرنوشت جامعه او و سرنوشت خانواده بزرگ او وابسته به کار و تلاش اوست؛ اهل تلاش باشد، اهل کار باشد، اهل جدیت باشد، اهل پیگیری باشد، اهل تنبلی نباشد، اهل وادادگی و لاابالیگری نباشد.

بیانات در دیدار جمعی از مداحان (۱۳ خرداد ۱۳۸۹)

**باید روحیه خسته نشدن و پیگیری کردن را در مردم به وجود بیاوریم**

می‌دانید ملت‌ها خصال ملی دارند. بعضی از ملت‌ها خصلتی دارند که خصلت عمومی است، بعضی از ملت‌ها خصلت‌های دیگری دارند که حالا مربوط به تاریخ و جغرافیا و اقلیم است و به عوامل گوناگونی وابسته است. ما این روحیه شور و شوق را، میل به تحقیق را، کنجکاوی را، خسته نشدن و پیگیری کردن را باید در ملتمان به وجود بیاوریم.

سرسری قوه قضائیه (۷ تیر ۱۳۹۹)

**مبارزه با فساد پیگیری می‌خواهد**

اگر با فساد مبارزه کردیم، در این فرهنگ پیشروی خواهیم کرد. مسئله مبارزه‌ی با فساد. فساد چیست؟ فساد، رشوه است، فساد ویژه‌خواری است، فساد ربا است؛ اینها فساد است دیگر، مفاسد است... البتّه بنده حدود بیست سال پیش یک نوشته مشروحی در باب مبارزه با فساد دادم؛ مربوط به سال ۸۰، ۸۱ و آن وقت‌ها است. در آن نوشته هم من گفتم که مبارزه با فساد پیگیری می‌خواهد؛ به قول این داستان‌ها و افسانه‌ها، مثل مار هفت‌سر، اژدهای هفت‌سر است که یک سرش را بزنی، شش سر دیگرش آن طرف زنده‌اند، مشغول کارند. همه‌جانبه باید مبارزه کرد. اگر از آن روز دولت‌های محترم و مسئولین محترم دنبال می‌کردند این قضیّه را، بلاشک ما امروز وضع بهتری داشتیم.

بیانات در دیدار کارگران (۹ اردیبهشت ۱۴۰۲)

با این فاسدها باید مبارزه جدّی کرد، باید مبارزه پیگیر کرد؛ اینکه ما بگوییم، یک سروصدایی راه بیفتد و بعد از چند وقتی هم خاموش بشود، این آن کاری نیست که برای کشور، در نهایت مفید باشد.

---

سجاد قیطاسی

## از نمایش دیپلماسی تا استراتژی شوک و بهت

در حالی که فضای سیاسی کشور بار دیگر تحت‌تأثیر اخبار مرتبط با مذاکرات هسته‌ای قرار گرفته و برخی نشانه‌ها از احتمال دستیابی به تفاهم حکایت دارد و فضا به گونه‌ای در ذهن ایرانی‌ها بازنمایی شده که دیپلماسی بر جنگ چیره شده، اظهارات صریح و تهدیدآمیز سخنگوی کاخ سفید، لایه‌ای دیگر از واقعیت را نمایان می‌سازد.

آنجا که اعلام می‌شود «اگر ایران پیشنهاد ارائه‌شده را نپذیرد، با عواقب وخیمی مواجه خواهد شد»، دیپلماسی رنگ می‌بازد و تهدید آشکار جای گفت‌وگو را می‌گیرد.

نباید فراموش کرد که ایالات‌متحده در تجربه‌های پیشین نیز بارها از میز مذاکره به عنوان پوشش برای تنگ‌تر کردن حلقه فشار استفاده کرده است. اکنون نیز تکرار همان الگوی کلاسیک قابل مشاهده است: همزمانی ارسال پیام‌های مذاکره با تهدید نظامی، جنگ روانی، عملیات اطلاعاتی و تحرکات میدانی.

باید گفت استراتژی «شوک و بهت» همچنان در دکترین نظامی آمریکا حضور دارد؛ راهبردی که هدف آن فلج‌سازی ناگهانی کشور هدف با مجموعه‌ای از اقدامات کوبنده، سریع و غیرمنتظره است. در چنین شرایطی، ساده‌انگاری یا اعتماد صرف به ظاهر نرم دیپلماسی، می‌تواند پرهزینه‌ترین اشتباه راهبردی باشد.

با این حال، مسیر مذاکره همچنان بخشی ضروری از سیاست‌ورزی هوشمندانه ایران است. تیم مذاکره‌کننده کشور نماینده عقلانیت ملی و شایسته حمایت بی‌تردید داخلی است. اما این پشتیبانی نباید با غفلت از لایه‌های دیگر امنیت ملی همراه باشد. دیپلماسی زمانی اثربخش است که پشتوانه‌ای از آمادگی، انسجام و بازدارندگی واقعی داشته باشد.

نهادهای اطلاعاتی و امنیتی باید در نهایت هوشیاری، تحرکات آشکار و پنهان دشمن را رصد و پیش‌دستی کنند. هم‌افزایی دستگاه‌های دیپلماتیک، نظامی، رسانه‌ای و اقتصادی در این مقطع حیاتی است. دشمن باید بداند ایران نه‌تنها مذاکره می‌کند، بلکه برای همه سناریوها آماده است. توازن میان عقلانیت سیاسی و هوشیاری امنیتی، رمز عبور از بزنگاه‌های تاریخی است. آنچه امروز در جریان است، بیش از آن‌که صرفاً یک روند دیپلماتیک باشد، بخشی از یک طراحی پیچیده ترکیبی است؛ طراحی‌ای که اگر با نگاه واقع‌گرایانه تحلیل نشود، ممکن است هزینه‌های گزافی بر کشور تحمیل کند. در این لحظه حساس، ضروری است کشور با درک عمیق از بازی پیچیده مقابل، مذاکره کند، اما آماده تمام سناریوها باشد.

## نسل بی‌اعتماد

### چرا جوانان آمریکا دیگر به موفقیت با تلاش ایمان ندارند؟

نتایج نظرسنجی اخیر شبکه CNN از شکاف عمیق نسلی در نگاه به «رؤیای آمریکایی» پرده برداشته است؛ شکافی که فراتر از خطوط حزبی، به باورهای نسل جوان درباره موفقیت، عدالت اجتماعی، نقش دولت و چشم‌انداز اقتصادی آینده بازمی‌گردد.

برای دهه‌ها، «رؤیای آمریکایی» به عنوان یکی از ستون‌های اصلی هویت اجتماعی و سیاسی ایالات‌متحده مطرح بوده است؛ مفهومی که وعده می‌دهد هرکس با تلاش، سخت‌کوشی و پشتکار بتواند به موفقیت، رفاه و پیشرفت دست یابد. اما آنچه از نتایج نظرسنجی اخیر شبکه CNN برمی‌آید، آن است که این رؤیا برای نسل جوان آمریکا به تدریج رنگ می‌بازد و به جای آن نوعی بدبینی ساختاری در حال شکل‌گیری است.

طبق این نظرسنجی، تنها ۵۴ درصد آمریکایی‌ها هنوز باور دارند که «افرادی که می‌خواهند پیشرفت کنند، در صورت تلاش می‌توانند موفق شوند»؛ این در حالی است که همین عدد در سال ۲۰۱۶ معادل ۶۷ درصد بوده است. کاهش ۱۳ واحد درصدی در کمتر از یک دهه، زنگ خطری است که از تغییر نگرش‌های بنیادی نسبت به ساختار اقتصادی و اجتماعی آمریکا خبر می‌دهد.

**شکاف نسلی در باور به موفقیت از طریق تلاش**

در نگاه دقیق‌تر به داده‌ها، تفاوت میان نسل‌ها برجسته‌تر می‌شود. تنها ۴۹ درصد از افراد زیر ۴۵ سال به این اصل باور دارند، در حالی که این رقم برای افراد بالای ۴۵ سال ۵۹ درصد است. به عبارت دیگر، جوانان بیش از گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که «تلاش، الزاماً به موفقیت منتهی نمی‌شود». این دیدگاه در میان دموکرات‌های جوان هم ریشه دوانده است؛ به طوری‌که بیش از دو سوم آنها اعتقاد دارند سخت‌کوشی و عزم فردی برای بیشتر مردم تضمینی برای موفقیت نیست.

این تغییر نگرش را می‌توان ناشی از تجربه زیسته متفاوت جوانان دانست؛ تجربه‌ای که با بحران مالی ۲۰۰۸، همه‌گیری کووید-۱۹، رکود بازار کار، بدهی‌های فزاینده دانشجویی، تورم و گرانی مسکن گره خورده است. نسلی که همزمان با وعده‌های پوچ رشد کرده و امروز با واقعیاتی مواجه است که در تضاد با همان وعده‌ها قرار دارد.

**مطالبه نقش پررنگ‌تر دولت**

تحلیل نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که تغییر نگرش‌ها صرفاً به باور به موفقیت محدود نمی‌شود. ۶۳ درصد از افراد زیر ۴۵ سال خواهان آن‌اند که دولت نقش فعال‌تری در حل مشکلات کشور ایفا کند؛ این در حالی است که همین خواسته را تنها ۵۴ درصد از افراد بالای ۴۵ سال مطرح کرده‌اند. چنین آماری نشان می‌دهد که جوانان، در برابر ناکارآمدی بازار آزاد و نابرابری‌های اقتصادی فزاینده، به دخالت بیشتر دولت به عنوان نیروی تعدیل‌گر اعتماد دارند.

نکته قابل توجه آن است که این خواسته در تناقض با الگوهای فعلی سیاست‌گذاری در آمریکا قرار دارد؛ چراکه بخش قابل توجهی از بودجه دولتی صرف حمایت‌های اجتماعی از سالمندان، نظیر Medicare و Social Security می‌شود. برنامه‌هایی که آینده آنها به دلیل بحران بدهی ملی در هاله‌ای از ابهام است. این مسئله نه‌تنها حس بی‌عدالتی نسلی را تقویت می‌کند، بلکه اعتماد به سیاست‌گذاران را نیز در میان جوانان کاهش داده است.

**بی‌اعتمادی حزبی و خلأ نمایندگی سیاسی**

شاید یکی از معنادارترین یافته‌های این نظرسنجی آن باشد که ۳۸ درصد از جوانان زیر ۴۵ سال معتقدند هیچ‌یک از احزاب اصلی (جمهوری‌خواه یا دموکرات) نماینده دیدگاه اقتصادی آنها نیستند. این در حالی است که در میان افراد بالای ۴۵ سال، تنها یک چهارم چنین احساسی دارند. این شکاف، به‌روشنی بیانگر آن است که نسل جدید، احساس طردشدگی از ساختار سیاسی سنتی آمریکا را تجربه می‌کند.

در کنار کاهش اعتماد به احزاب، نوعی دلزدگی نسبت به سیاست در کل در حال شکل‌گیری است. جوانان احساس می‌کنند در نظامی گیر افتاده‌اند که نه منافع آنها را به رسمیت می‌شناسد و نه راهی برای مشارکت مؤثر پیش پای آنها می‌گذارد.

**بازار کاری که دیگر پناهگاه نیست**

شاید مهم‌ترین عامل برای درک بدبینی جوانان، وضعیت بازار کار باشد. طبق گزارش دیگری از CNN، برای نخستین‌بار از دهه ۱۹۸۰، نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان جدید (۲۲ تا ۲۷ ساله با مدرک لیسانس یا بالاتر) از نرخ بیکاری عمومی در کشور بالاتر رفته است. این در حالی است که همزمان بدهی‌های تحصیلی جوانان در حال افزایش است، و آنها باید ماه‌ها یا حتی سال‌ها صبر کنند تا اولین شغل مناسب خود را بیابند.

از سوی دیگر، ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و تغییر در روش‌های استخدام، شرکت‌ها را از جذب نیروی جوان به روش‌های سنتی دور کرده است. جای تعجب ندارد که جوانان، برخلاف نسل‌های پیشین، دیگر «شغل» را به عنوان مسیر مطمئن به سوی ثبات اقتصادی نمی‌بینند.

**آینده‌ای تاریک از نگاه نسل جوان**

در نهایت، همه این متغیرها به شکل‌گیری فضائی انجامیده‌اند که در آن جوانان، امیدی به آینده ندارند. چشم‌انداز بازنشستگی برای آنها مبهم است، خانه‌دار شدن رؤیایی دست‌نیافتنی شده، و مسیر شغلی قابل اعتماد نیز در حال فروپاشی است. در چنین شرایطی، نه‌تنها باور به «رؤیای آمریکایی» فرسوده شده، بلکه اصل ایده‌آل‌گرایی آمریکایی نیز در حال فروریزی است.

برای بازسازی اعتماد این نسل، دولت، سیاستمداران، نهادهای آموزشی و اقتصادی باید با درک واقعیت‌های امروز، به دنبال اصلاحات ساختاری عمیق باشند. در غیر این صورت، شکاف نسلی به بحرانی اجتماعی بدل خواهد شد که به سادگی قابل پوشاندن نخواهد بود.

**منبع: اندیشکده روابط بین‌الملل**